

این مسئله واضح است که سخن برسر حاکمیت این اصل در ارتباط فرد است، نه این که اصلاً با محاسبه سود در ارتباط نباشد. حاکمیت این اصل خود را در موارد تعارض منافع نشان می‌دهد. فرض کنید دوست شما قرارداد پروژه‌ای را بسته و شما را به عنوان همکار پروژه به همکاری دعوت کرده است. از بقیه شنیده‌اید که فلانی در مسائل مالی، منافع خودش را می‌بیند و توجهی به حقوق دیگران ندارد. هنگام تسویه حساب، این رفتار را تجربه می‌کنید. در چنین وضعیتی، شناخت سبک تعاملی فرد می‌تواند به شما در پیش‌بینی این رفتار و محکم‌کاری‌هایی مانند قرارداد مکتوب یا گرفتن شاهد و... کمک کند.

پیش‌نیازهای معاشرت مطلوب به همراه مهارت‌های ارتباطی، موجب مواجهه درست با افرادی می‌شود که این سبک تعاملی را دارند.

۲-۲. صادقانه و محترمانه

افرادی در زندگی خویش براساس صداقت و احترام با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. منشأ این اساس می‌تواند مذهب یا چیز دیگری باشد. در سنت دینی ما، رهبران دینی برای افراد سخی احترام زیادی قائل می‌شدند. نمونه بارز و بارها شنیده شده آن حاتم طائی است. از منظر دینی، کارکرد صداقت در ارتباط به مثابه شالوده روابط است و وقتی نمایان می‌شود که به مسئله اعتماد اجتماعی بیندیشیم. به طیف گوناگونی از اعتمادهای من دقت کنید: - اعتماد به این که شما با من منصفانه رفتار می‌کنید و به منافع من علاقه‌مندید و به من آسیبی نمی‌رسانید.

- اگر به حرف شما اعتماد نکنم، آیا می‌توانم اعتمادی خالصانه به سه اعتماد مندرج در گزاره بالا داشته باشم (منصفانه، علاقه‌مند و فاقد آسیب)؟
- اگر به راست‌گویی دیگران اعتماد نداشته باشیم، آیا هیچ راهی هست که انصاف و نیات آن‌ها را برای یاری دادن یا آسیب رساندن ارزیابی کنیم؟

اعتماد فضایی است که این امور در آن شکوفا می‌شوند و این ارتباط صادقانه است که این اعتماد را می‌سازد. شاید بارها در محیط اطراف خویش شنیده باشیم که «دروغ می‌گویند» و این یعنی از بین رفتن اعتماد در تعاملات اجتماعی و احساس ناامنی روانی. در متون دینی ما، ارتباط انسان با انسان با احترام و صداقت عجین شده است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام

به قدری بر صداقت تأکید شده است که می شود گفت کلید سعادت در صداقت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ؛ فَرِيبَ نَمَازٍ وَرُوزَةٍ مَرْدَمٍ رَا نَخُورِید، زِیرَا آدَمِی گاه چنان به نماز و روزه خو می کند که اگر آن ها را ترک گوید، احساس ترس می کند، بلکه آن ها را به راست گویی و امانت داری بیازماید.»

❁ ۳-۲. خیرخواهانه و سازنده

قطعاً آدم هایی را در طول زندگی دیده اید که خیرخواه دیگران هستند، بخشش و خیرخواهی اصل بنیادین در زندگی آن هاست و به دنبال حل درد دیگران اند، حتی اگر خود دردی به مراتب بزرگ تر داشته باشند. در این سبک ارتباطی معاشرتی، فرد نه براساس عدالت، که براساس احسان، با دیگران ارتباط برقرار می کند. رفتار عادلانه به ما می گوید این فرد به دلیل انجام ندادن وظایفش مستحق فلان هدیه نیست، ولی رفتار محسانانه به ما می گوید به چنین فردی نیز هدیه بده تا او رفتارش را تغییر دهد.

وقتی در خوابگاه بیش از آنچه انتظار می رود، برای رفیقت وقت می گذاری تا مطلب درس دیروز را بفهمد یا به دنبال حل مشکل خانوادگی اش می روی، رفتاری خیرخواهانه انجام داده ای و اینجاست که خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۱ و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.»

❁ ۴-۲. فداکارانه و ایثارگرانه

شدت خیرخواهی در ارتباط با دیگران سمت و سوی فداکاری و ایثار را پیدا می کند. یکی از ادله مهم جایگاه بلند و بی نظیر پدر و مادر، همین رفتارهای فداکارانه آن ها برای فرزندان است. مصداق بارز و تجربه شده این سبک تعاملی «مادر» است. مادر بدون ملاحظه کوچک ترین نفع شخصی، همه هستی خویش را در مسیر رشد و تعالی فرزندش قرار می دهد. در فرهنگ دینی، ارزشمندی مقام شهید به همین دلیل است، چراکه شهید از بالاترین مرتبه خودخواهی - یعنی لذت در حیات دنیوی - می گذرد تا دیگران در این دنیا، هم بهتر زندگی کنند و هم مسیر خوشبختی را بیابند.

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۵.

در این سبک از معاشرت، فرد حتی بدون ملاحظه کوچک‌ترین نفع شخصی، بالاترین عنصر حیاتی خویش - یعنی آبرو و حیات - خود را برای رفع نیاز دیگری در معرض خطر قرار می‌دهد. این سبک معاشرتی بیشتر در انسان‌های الهی با انگیزه‌های الهی یافت می‌شود. دوستی‌هایی که با انگیزه الهی شکل گرفته‌اند تجربه رفتارهای فداکارانه و ایثارگرانه را خواهند داشت. نمونه‌هایی از این سبک‌های معاشرتی در تجربه‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس در لابه‌لای خاطرات آدم‌های آن روزگار نقل شده‌است.

دو رفتار زیر را براساس هریک از سبک‌های معاشرتی خواسته‌شده تحلیل کنید:

رفتار اول: راننده اتوبوس واحدی را تصور کنید که بعد از پیچیدن ماشینی در جلو آن، سر را از شیشه بیرون آورده و آماده است تا چند فحش رکیک و آبدار را نثار راننده ماشین کند. در این هنگام، ناگهان با برخوردی کاملاً محترمانه و از سر قبول اشتباه خویش، روبه‌رو می‌شود. در این هنگام، راننده اتوبوس... (تحلیل براساس سبک خیرخواهانه و سازنده).

رفتار دوم: عاشقش شده‌ای، ولی ناگهان با این مسئله روبه‌رو می‌شوی که دوستت از تو درخواست می‌کند که «اگر امکان دارد، با ریحانه صحبت کن تا من با خانواده‌ام به خواستگاری‌اش بروم، چون خودم خجالت می‌کشم مستقیم صحبت کنم» (تحلیل براساس سبک سودجویانه و سبک فداکارانه).

۳. پیش‌نیاز معاشرت مطلوب: مدیریت خود در میدان معاشرت

هر معاشرتی دو سویه اصلی دارد: من و دیگری. پس من یک طرف اصلی ارتباط هستم. آمادگی‌ها و توانمندی‌های من برای ورود به ارتباط و شکل دادن به معاشرت، و پیش از این‌ها تلقی من از خود، تأثیر بزرگی در چرایی و چگونگی ارتباط و معاشرت من دارند. مفهوم «خود» مجموعه‌ای از ادراکات نسبتاً پایداری است که هرکدام از ما درباره خود داریم. تصویر از خود تقریباً شبیه آینه‌ای ذهنی است که دید ما را به خودمان بازتاب می‌دهد. پس قبل از ورود به معاشرت، باید اموری را که به خود مربوط می‌شوند به عنوان پیش‌نیازهای رابطه و معاشرت موفق مرور کنیم. این پیش‌نیازها که در درس «ارتباط با خود» به آن‌ها پرداخته‌ایم عبارت‌اند از خودآگاهی و خودیابی، و در گام بعد، خودباوری و اعتماد به نفس و خودمدیریتی (اعم از مدیریت هیجانات، خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری، جدیت، انطباق و نوآوری).